

## جایگاه علی علیه السلام در میان اصحاب

علی اول مظلوم تاریخ است، بزرگترین محبوبیتها و بیشترین دوستداران را داشته است...



علی اول مظلوم تاریخ است، بزرگترین محبوبیتها و بیشترین دوستداران را داشته است؛ چه انسانهایی که در طول تاریخ به جرم محبت و عشق او انواع اذیتها و آزارها را متحمل شده‌اند، حتی جان خود را در این راه از کف داده‌اند. اکنون بر آن هستیم که موقعیت او را میان معاصران به ویژه اصحاب پیامبر که نخستین مسلمانان بودند، بررسی کنیم. البته تنها به جنبه سیاسی این مسئله پرداختیم.

### جایگاه علی علیه السلام

امیرمؤمنان علی علیه السلام در میان صحابه پیامبر دارای موقعیت و جایگاه خاصی بود؛ چنانکه مسعودی گوید: «از تمام فضایل و مناقبی که اصحاب پیامبر دارا بودند چون: سبقت در اسلام، هجرت، نصرت پیامبر، خویشی با آن حضرت، قناعت، ایثار، آگاهی از کتاب خدا، جهاد، ورع، زهد، قضاوت، فقه و... علی علیه السلام بهره‌ای کامل و حظی وافر داشت. به علاوه فضائلی تنها در او بود مثل: اخوت با پیامبر، فرمایش پیامبر در باره او که تو از من به منزله هارون از موسی هستی و نیز فرمایش پیامبر به او که هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست؛ بار خدایا دوستش را دوست و دشمنش را دشمن بدار، همچنین دعای پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد ایشان، آن هنگام که انس پرنده پخته‌ای را خدمت حضرت رسول آورد، حضرت فرمود: بار خدایا! محبوب‌ترین خلقت را وارد کن که با من هم‌غذا شود. که سایر اصحاب پیامبر از این فضایل بی بهره بودند» (1)

ویژگی علی علیه السلام در میان بنی هاشم

بنی هاشم یعنی فرزندان هاشم، جد دوم پیامبر، طایفه آن حضرت و نزدیک‌ترین مردم به ایشان بودند. هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مبعوث شد، چهار تن از عموهای پیامبر: ابوطالب، ابو لهب، عباس و حمزه در قید حیات بودند و جز ابولهب بقیه مسلمان شدند. با وجود عموهای پیامبر در میان بنی هاشم، علی علیه السلام نزدیک‌ترین شخص به پیامبر بود؛ از خردسالی در خانه پیامبر و با تربیت آن حضرت رشد یافته بود. (2) شب هجرت به جای پیامبر خوابید و ودایع و امانت‌های آن جناب را به مردم برگرداند و در مدینه به پیامبر ملحق شد. (3) مهمتر از همه، جایگاه علی علیه السلام در اسلام بود؛ رسول اکرم صلی الله علیه و آله جایگاه علی علیه السلام را در اسلام از همان اوایل بعثت تعیین فرمود؛ آنگاه که به فرمان خدا مامور شد عشیره خویش را انذار کند و در آن جلسه تنها کسی که حاضر به یاری و موازرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله شد، علی علیه السلام بود. با اینکه سن آن جناب از همه حاضران کمتر بود، رسول اکرم در میان بزرگان و پیر مردان خاندانش اعلام کرد که علی وزیر، خلیفه و جانشین اوست. (4)

مقابله پیامبر با بدخواهان علی علیه السلام

بعد از اینکه اسلام گسترش یافت و تقریباً اکثر مناطق جزیره العرب را گرفت و افراد زیادی با انگیزه‌های مختلف به سلك مسلمانان در آمدند، حتی عده کثیری از آنهار در مدینه ساکن شدند، در حالی که به گواهی قرآن ایمان در قلوبشان جاگیر نشده بود؛ به ویژه عده‌ای از قریشیان که علاوه بر این مطلب پیوسته بر بنی هاشم حسد می‌ورزیدند، به خصوص علی علیه السلام به خاطر سابقه و جهادش بیشتر از همه مورد حسد آنان بود. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مواظب رفتار اصحابش با علی علیه السلام بود و در مناسبت‌های مختلف، مقام و موقعیت آن جناب را به آنان گوشزد می‌کرد و بر جایگاه علی علیه السلام تاکید می‌نمود؛ ابن شهر آشوب از عمر بن خطاب نقل کرده که من علی را اذیت می‌کردم، پیامبر صلی الله علیه و آله مرا ملاقات کرد و فرمود: «تو مرا آزرده ای عمر! گفتم: پناه بر خدا از اذیت رسول خدا»، فرمود: «تو علی را آزرده و هر کس علی را بیازارد، مرا آزرده است»؛ مصعب بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل کرده که او گفته است: «من و مرد دیگری در مسجد بودیم و به علی بد می‌گفتم، پیامبر با حالت غضب به سوی ما آمد و فرمود: چرا مرا می‌آزاید هر کس علی را بیازارد، مرا آزرده است» (5).

این شهر آشوب از محدثان اهل سنت چون: ترمذی، ابو نعیم، بخاری و موصلی نقل می‌کند: عمران بن حصین و ابن عباس و بریده گفته‌اند، که: «علی علیه السلام از میان غنائم جنگی، خواست کنیزی را بخرد، حاطب بن ابی بلتعه و بریده اسلمی با او رقابت کردند و قیمت کنیز را بالا بردند و علی علیه السلام با آن قیمت کنیز را خرید، وقتی که برگشتند، بریده مقابل پیامبر ایستاد و از علی علیه السلام شکایت کرد، پیامبر صورتش را از او برگرداند، از راست و چپ پیشت سر آمد و شکایت خود را تکرار کرد، آنگاه حضرت رو کرد به او و رنگش تغییر نمود و صورت مبارکش سرخ شد و فرمود: ای بریده! چه شده، تا امروز رسول خدا را اذیت

نکرده بودی؟! مگر نشنیدی خدای تعالی می فرماید: «ان الذين يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فى الدنيا و الاخرة و اعد لهم عذابا مهينا»؟! مگر نمی دانی که علی از من است و من از علی؟! هر کس او را بیازارد، مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است و هر کس خدا را بیازارد، خدا حق دارد که او را با سخت ترین عذابش در آتش جهنم بیازارد! ای بریده! تو آگاهی یا خدا؟ تو آگاهی یا صاحبان لوح محفوظ آگاهند؟ تو آگاهی یا فرشته رحما آگاه است؟ ای بریده! تو آگاهی یا فرشتگان مواظب علی بن ابی طالب؟ گفتم: بلکه فرشتگان حافظ او. حضرت فرمود: جبرئیل به من خبر داد از فرشتگان مواظب علی، که آنان از روز تولدش، حتی يك خطابرای او ننوشته اند؛ فرشته رحما و فرشتگان صاحب لوح محفوظ نیز همین طور. بعد سه بار فرمود: از علی چه می خواهید؟ او از من است و من از او، او ولی هر مؤمنی بعد از من است.» (6)

علی علیه السلام میزان ایمان و نفاق

بیان مناقب امیر المؤمنین توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موجب افزایش محبوبیت آن جناب در میان صحابه شده بود، به حدی که با وجود پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام سبیل و معیار حق و ایمان شده بود؛ چنانکه انس بن مالک نقل کرده: «ما در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اگر می خواستیم بفهمیم کسی زنزاده است یا بغض علی بن ابی طالب می فهمیدیم؛ بعد از جنگ خیبر مردی بچه خود را به آغوش گرفته و می رفت، در راه که علی را دید؛ بآغوشش او را به بچه نشان داد؛ از طفل پرسید: این مرد را دوست داری؟ اگر می گفت: آری، او را می بوسید و اگر می گفت: نه، او را به زمین می انداخت و می گفت: نزد مادرت برو.»

باده بن صامت نیز می گوید: «ما اولاد و فرزندانمان را با حب علی بن ابی طالب می آزمودیم؛ اگر می دیدیم که یکی از آنها او را دوست ندارد، می دانستیم که او را رستگار نخواهد شد.» (7)

درباره شناختن مؤمن و منافق با حب و بغض علی علیه السلام می توان به حدیث ابن عباس هم اشاره کرد...  
اعلام جانشینی علی علیه السلام

اگر چه از اوایل بعثت، جانشینی علی علیه السلام مطرح شده بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان خویشان نزدیکش آن جناب را وزیر و جانشین خود اعلام کرده بود، ولی این مطلب در میان عده خاصی بود. اما با گذشت سالهای آخر عمر پیامبر، مساله جانشینی علی علیه السلام عمومی تر می شد، به حدی که لقب «وصی» از القاب شایع آن حضرت گشت که دوست و دشمن آن را قبول داشتند، به خصوص بعد از زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «انت منی بمنزلة هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی» که این قضیه پیش از رفتن به جنگ تبوک بود.

بالاخص در جریان حجة الوداع در منی و عرفات، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنرانی های خود به مردم گوشزد می کرد که دوازده نفر جانشین او خواهند شد که همه از بنی هاشم هستند. بالاخره در بازگشت از مکه، در غدیر خم از سوی خدا مأمور می شود که جانشینی علی علیه السلام را به تمام مسلمانان ابلاغ کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز به مسلمانان دستور داد که توقف کنند و آنگاه بر منبری از چهارشتران رفت و فرمود: «... من كنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله» بعد به مردم فرمود، که با آن جناب بیعت کنند. بدین ترتیب رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان اعلام کرد که چه کسی جانشین اوست؛ از این رو عموم مردم بر این باور بودند که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام خواهد شد؛ چنان که زبیر بن بکر - که از خاندان زبیر و از مخالفان علی علیه السلام است. - می نویسد: «عموم مهاجران و همه انصار شك نداشتند که علی علیه السلام خلیفه و صاحب امر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله است.» (8). همچنین این مطالب از اشعاری که از جریان سقیفه بر جای مانده، به خوبی مشهود است؛ زیرا تحریف کمتر به شعر راه یافته است (9). این مطلب به قدری روشن بود که دشمنی چون معاویه نیز به آن اقرار کرده است؛ چنان که در جواب نامه محمد بن ابی بکر نوشته است: «ما و پدرت در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله اطاعت پسر ابی طالب را بر خود لازم می دیدیم و فضلش را برخودمان آشکار، بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پدرت و عمر نخستین کسانی بودن که منزلت او را پایین آوردند و به بیعت خودشان فراخواندند.» (10) بدین جهت آنان که در ماههای آخر عمر پیامبر در مدینه نبودند و از بعضی توطئه ها خبر نداشتند، بعد از رحلت پیامبر که به مدینه برگشتند و مشاهده کردند که ابو بکر به جای پیامبر نشست و خود را خلیفه پیامبر معرفی می کند، سخت برآشفتنند؛ مثل خالد بن سعید (11)، حتی ابوسفیان وقتی که از سفر برگشت و وضع را چنین دید، خدمت عباس بن عبد المطلب و علی علیه السلام آمد و از آنان خواست که برای استیفای حق خویش قیام کنند، ولی آنان پیشنهاد او را نپذیرفتند. (12)

اما این که چگونه ورق برگشت و ابو بکر برمسند خلافت نشست و از این جهت با مخالفت جدی روبرو نشد؟ باید در نفوذ سیاسی و نقش تبلیغاتی قریش و نوپادبودن جامعه اسلامی جستجو کرد.

پی نوشتها:

- 1 - مسعودی، علی بن الحسین: مروج الذهب، منشورات مؤسسة الاعلمی المطبوعات، بیروت، 1411 ه. ق، ج 2، ص 446.
- 2 - ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، منشورات الشریف الرضی، 1416 ه. ق، ص 41.
- 3 - مروج الذهب، ص 294.
- 4 - رجوع شود به: یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعة التاریخ الاسلامی، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ط اول، 1417 ه. ق، الجزء الاول، ص 410.
- 5 - ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، ج 3، ص 211.

6 - همان، ص 211 و 212.

7 - همان، ص 207.

8 - زبیر بن بکار: اخبار الموفقیات، منشورات الشریف الرضی، قم، 1416 هـ. ق، ص 580.

9 - رجوع شود به همان منبع، ص 579، 581 و 592؛ ابن واضح، تاریخ یعقوبی، منشورات الشریف الرضی، قم، 1414 هـ. ق، ج 2، ص 128 - 126 و مغنیه؛ محمد جواد، الشیعة فی المیزان، منشورات الشریف الرضی، قم، ص 20.

10 - بلاذری، احمد بن جابر انساب الاشراف، منشورات مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت، 1394 هـ. ق، ج 2، ص 296.  
11 و 12 - تاریخ یعقوبی، ص 126.

منبع:

(1) ماهنامه کوثر شماره 43

(2) سایت : <http://www.al-shia.com>

نویسنده : غلامحسن محرمی